

درک دانشجویان پرستاری از یادگیری در بخش‌های مراقبت‌های ویژه نوزادان با استفاده از رویکرد ژورنال نویسی بازاندیشانه

فائزه جهان‌پور^{*}، پرویز عضدی^۱، حکیمه واحدپرست^۲

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران

Nursing Students' Perception of the Learning Experiences in Neonatal Intensive Care Units

Faezeh Jahanpour^{*}, Parviz Azodi¹, Hakimeh Vahedparast²

School of Nursing and Midwifery, Bushehr University of Medical Sciences, Bushehr, Iran

Abstract

Introduction: It is important to consider the students' perception of clinical learning environments in order to enhance the quality of effective clinical education. We aimed to describe nursing student perceptions of clinical learning experience in the neonatal intensive care unit (NICU).

Material & Methods: In this descriptive study, we used an exploratory qualitative approach. Data were collected using reflective journalism. 25 senior nursing students were asked to reflect and describe their learning experience in the NICU through reflective journal writing. The students were encouraged to reflect their desires, opinions, emotions, attitudes, or disapproval in their personal journals. Data were analyzed using constant comparative analysis.

Results: We found four main categories which reflected the students' experience: anxiety regarding skill incompetency, satisfaction with new skills, staff-student relationship, and clinical teacher competency.

Conclusion: Positive interpersonal relationship between students, staff, and teachers are important factors for enhancing clinical learning. A clinical teacher must be able to provide students with appropriate knowledge and skills to decrease their anxiety regarding task performance. A clinical instructor needs more clinical experience and knowledge in order to have clinical competency.

Key words

Reflecting Journals, Nursing, Student, Instructor competency

چکیده

مقدمه: درک دانشجویان از عوامل تسهیل‌گر و بازدارنده در آموزش بالینی در برنامه‌ریزی جهت بهبود کیفیت آموزش بالینی مؤثر است. در این مطالعه سعی شده است با استفاده از ژورنال نویسی بازاندیشانه تجارب واقعی دانشجویان از یادگیری در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان روشن گردد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی از نوع کیفی اکتشافی می‌باشد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از ژورنال نویسی بازاندیشانه استفاده شده است. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۲۵ دانشجوی پرستاری به صورت داوطلبانه وارد مطالعه شدند. از مشارکت کنندگان خواسته شد تجارب واقعی خود را در محیط بالین مکتوب نموده و در اختیار پژوهشگر قرار دهند. جامعه پژوهش، دانشجویان سال آخر پرستاری بودند. داده‌ها با استفاده از روش آنالیز داده‌های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: چهار درون‌مایه اصلی به دست آمد که شامل اضطراب، رضایت از روبه‌رویی با مهارت جدید، ارتباطات بین‌فردی و صلاحیت بالینی مربیان بود.

نتیجه‌گیری: از دیدگاه دانشجویان شرکت‌کننده تنش ناشی از کمبود مهارت بالینی مانع یادگیری در آنهاست. لذا صلاحیت بالینی مربیان

و برنامه‌ریزی مناسب جهت بهبود مهارت دانشجویان از ضروریات می‌باشد. وجود ارتباطات بین‌فردی مثبت بین دانشجویان، مربیان و پرستاران موجب کاهش تنش دانشجویان خواهد شد. پیشنهاد می‌گردد که دست‌اندرکاران آموزش پرستاری با برنامه‌ریزی در جهت ارتقاء صلاحیت بالینی مربیان و بهبود ارتباطات بین‌فردی کوشا باشند.

واژگان کلیدی

دانشجویان پرستاری، مربیان، ژورنال نویسی بازاندیشانه

مقدمه

آنچه دانشجویان در محیط بالینی انجام می‌دهند، کار بالینی نام دارد. کار بالینی بخش بسیار مهمی از آموزش پرستاری را تشکیل می‌دهد. آموزش بالینی یکی از اجزای با اهمیت برنامه آموزش پرستاری است [۱].

کیفیت آموزش پرستاری، وابسته به کیفیت تجربه بالینی دانشجویان است و دانشجویان پرستاری، محیط کار بالینی را به‌عنوان اثرگذارترین بافت آموزشی برای کسب مهارت‌ها و دانش پرستاری می‌دانند [۲].

کسب تجربه در محیط بالینی به‌عنوان یک عامل مهم و مؤثر در یادگیری دانشجویان محسوب می‌گردد. تمرین بالینی فرصتی را برای اخذ تصمیم بالینی، کاربرد تئوری در بالین، یادگیری اولویت‌بندی تصمیمات، یادگیری مدیریت زمان و افزایش مهارت بالینی فراهم می‌آورد [۳]. همچنین انجام کار بالینی موجب افزایش توانایی حل مشکل‌های بالینی در دانشجویان می‌گردد. در مطالعه‌ای که توسط Dunn و همکاران صورت گرفت، عنوان گردید که توانایی‌ها و مهارت‌های دانشجویان پرستاری در محیط بالینی افزایش پیدا می‌کند. این محققین، افزایش این توانایی‌ها را به تقویت راهبردهای روبه‌روشدن با مسائل مثلاً افزایش توانایی حل مشکل و یا توانایی برقراری ارتباط اطلاق می‌کنند و منظور آنها از مهارت، مهارت دانشجویان در انجام وظایف مورد نیاز حرفه پرستاری است [۴].

اکنون واضح است که باید نسبت به فراهم بودن آموزش مناسب دانشجویان پرستاری تعهدی وجود داشته باشد. آموزشی که از طریق ایجاد دانش کافی و مهیا نمودن موقعیت‌هایی برای ایجاد ارتباط بین تئوری و بالین منجر به توسعه کفایت بالینی دانشجویان در اخذ تصمیم بالینی شود. نارسایی در فراهم نمودن امکان کسب تجربیات بالینی مرتبط و مناسب نه تنها برای دانشجویان بلکه برای حرفه پرستاری عواقبی به‌دنبال دارد. کار

بالینی نامناسب می‌تواند منجر به کاهش انگیزش دانشجو و اختلال در یادگیری او شود و با تداوم این مشکل کل برنامه آموزشی به زیر سؤال می‌رود.

در محیط یادگیری حمایتی، معلم بالینی دانشجو را تشویق به استقلال در یادگیری و همچنین توصیه به خود اتکایی می‌کند [۵]. بدین ترتیب، دانشجو چگونه یادگرفتن را می‌آموزد. تکراری بودن و عدم مناسبت تجربیات یادگیری موجب کاهش کارایی کارآموزی می‌گردد. در زمینه یادگیری بالینی، نکته مهم دیگری را که باید مورد توجه قرار داد، این است که وقتی یادگیری به‌طور مستقل صورت می‌گیرد و محیط یادگیری دارای تجربه موقعیت‌های جدید برای دانشجویان است، دانشجویان نیز برای فعالیت‌های خود پاسخ‌گو هستند.

Ferguson بیان نمود که پرستاران با کسب تجربه، دانش عملی را به‌دست می‌آورند. پرستاران نیازمند کسب تجربه با بیماران مختلف هستند تا دانش عملی را کسب نمایند [۶]. Chapman و Orb نیز در پژوهش خود به مضمونی تحت عنوان افزایش یادگیری دست یافتند و ذکر کردند که تجربه بالینی دانشجویان پرستاری باعث افزایش یادگیری آنان می‌شود [۷].

بخش اعظمی از اجتماعی شدن حرفه‌ای دانشجویان پرستاری در محیط کار بالینی صورت می‌گیرد. کار بالینی به دانشجویان روش‌های مؤثر استدلال و رسیدگی به مشکلات بیماران و همچنین اجتماعی شدن در حرفه پرستاری را یاد می‌دهد. تقریباً پنجاه درصد برنامه آموزش پرستاری به آموزش بالینی اختصاص دارد که نقش مهمی در شکل دادن هویت حرفه‌ای دانشجویان پرستاری دارد [۸].

علی‌رغم اهمیت یادگیری‌های بالینی در آموزش پرستاری، بعضی از تحقیقات موجود، نامطلوب بودن کیفیت آموزش بالینی را نشان می‌دهد. مقالات زیادی در زمینه مشکلاتی که تأثیر نامطلوب بر یادگیری بالینی دانشجویان پرستاری دارند، منتشر شده است

جایی که شرکت‌کنندگان در آن زندگی می‌کنند مثل منزل، کلاس درس، محل کار یا هر جایی که شرکت‌کننده صلاح بداند [۱۰].

جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان سال آخر پرستاری بودند. انتخاب دانشجویان با استفاده از نمونه‌گیری مبتنی بر هدف از میان دانشجویان سال چهارم پرستاری که مشغول گذراندن واحدهای کارورزی در عرصه بیمارستان بوده و مایل به شرکت در مطالعه بودند، صورت گرفت. جهت جمع‌آوری داده‌ها از روش ژورنال نویسی بازاندیشانه استفاده گردید. بدین منظور از میان کلیه دانشجویان کارورز ترم آخر پرستاری، ۲۵ دانشجو داوطلب همکاری در ژورنال نویسی گردیدند که پس از تکمیل فرم رضایت آگاهانه یک راهنمای مکتوب جهت نگارش ژورنال در اختیار دانشجویان شرکت‌کننده قرار گرفت و توضیحات شفاهی لازم نیز ارائه گردید. از دانشجویان خواسته شد بعد از گذراندن یک هفته کارورزی در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان و آشنایی کامل با محیط بخش، پس از اتمام هر هفته کارورزی با توجه به راهنمای موجود، ژورنال خود را نگارش نموده و در اختیار شخص پژوهشگر قرار دهند. بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان به عنوان محیط پژوهش انتخاب گردید زیرا سال‌ها تجارب پژوهشگر به عنوان مربی این بخش نشان داد که ورود دانشجویان به این بخش موجب ایجاد استرس زیادی در آنها می‌گردد که بر روی یادگیری آنها مؤثر است و نیاز به بررسی عوامل تسهیل‌گر و موانع موجود در یادگیری در این بخش بالینی می‌باشد. هر دانشجو مجموعاً دو ژورنال در طی دو هفته به پژوهشگر تحویل داد. ژورنال نویسی تنها روش جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعه محسوب گردید زیرا مرور متون نشان داد که این روش، یک روش ارزشمند در آموزش پرستاری به جهت ثبت پیشرفت‌ها و دانش ناشی از تجارب محسوب می‌گردد. این روش می‌تواند در کسب مهارت تفکر انتقادی، ثبت یادگیری بالینی و توسعه خودآموزی مفید باشد [۳].

ژورنال نویسی به معنای نوشتن و ثبت تجارب است. ژورنال، ثبت وقایع، افکار و احساسات، در یک جنبه خاص زندگی است و با یک ساختار خاص نگارش می‌شود. پس در ژورنال، همه وقایع مربوطه، ثبت و بر روی آن بازاندیشی می‌گردد.

با ژورنال نویسی، فرد به دنبال ژرفاندیشی هدفمند در افکار، احساسات و وقایعی که در تجارب اخیر به وجود آمده است، به تجارب معنا بخشیده و معنای شخصی برای تجارب زنده خود خلق می‌نماید. دانشجویان در ژورنال نویسی حوادث مشخصه و جالب را توصیف می‌نمایند تا آن‌ها را درک کنند، واکنش‌های عاطفی خود را کشف نموده و به سه سؤال پاسخ دهند:

[۸]. از جمله این مشکلات می‌توان به وجود تنش و فاصله بین تئوری و بالین اشاره نمود. این مشکلات علاوه بر اینکه بر روی یادگیری دانشجویان تأثیر می‌گذارند، ممکن است اجتماعی شدن دانشجویان را در حرفه پرستاری خدشه‌دار نماید [۷]. تحقیقات نشان می‌دهند که دانشجویان پرستاری از دوره آموزش بالینی به عنوان تنش‌زاترین دوره یاد می‌کنند. بسیاری از دانشجویان پرستاری تجربیات بالینی را به عنوان عامل ایجادکننده اضطراب می‌شناسند [۸]. دانشجویان پرستاری که دریافت‌کننده آموزش پرستاری هستند، بیش از هر فرد دیگری قادرند که جنبه‌های پیچیده تجارب بالینی را توصیف نمایند. آنها می‌توانند بیان نمایند که چه تجاربی از محیط بالینی دارند؟ آیا آنها توانایی کار در محیط بالینی را کسب می‌نمایند؟ چگونه و با چه زمینه‌ای؟ چه فاکتورهای محیطی تأثیرات مثبت یا منفی بر توانایی آنها می‌گذارد. روشن نمودن درک دانشجویان از تجارب یادگیری بالینی چالش فعلی آموزش پرستاری است و افزایش بینش مربیان پرستاری در ارتباط با نحوه آموزش در محیط بخش‌های بالینی می‌تواند موجب کاهش فاصله موجود بین آموزش و بالین گردد [۹].

با توجه به اینکه اطلاعات کمی در مورد فرآیند یادگیری بالینی در بخش‌های ویژه نوزادان در حین آموزش پرستاری وجود دارد، بنابراین انجام پژوهش‌هایی که بر اساس تجارب و درک دانشجویان پرستاری از نحوه یادگیری بالینی هستند، می‌توانند در فراهم آوردن فرصت‌های یادگیری برای دانشجویان پرستاری به مربیان پرستاری کمک نماید. با توجه به اینکه آموزش بالینی دانشجویان یکی از بخش‌های اصلی آموزش پرستاری است بنابراین بررسی و ارزیابی آموزش بالینی می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت آموزش پرستاری داشته باشد. با توجه به تنوع و متفاوت بودن بخش‌های بالینی و نیاز به کار واقعی دانشجویان در این محیط‌های بالینی، لزوم بررسی عوامل تسهیل‌گر و مانع در یادگیری بالینی ضرورت انجام این پژوهش را مورد تأیید قرار داد. این پژوهش با هدف بررسی درک واقعی دانشجویان پرستاری از یادگیری در بخش‌های ویژه نوزادان صورت گرفت. لذا پژوهشگران در جهت کسب اطلاعات واقعی و درک عمیق از تجارب دانشجویان از پژوهش کیفی استفاده نمودند.

مواد و روش‌ها

این پژوهش یک مطالعه توصیفی از نوع کیفی می‌باشد. محیط پژوهش، بیمارستان کودکان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بوده است. محیط در تحقیقات کیفی عرصه می‌باشد. عرصه یعنی

- من از این تجربه چه آموختم؟
- در موقعیت‌های مشابه در آینده باید چگونه عمل کنم؟
- پرستاری و تئوری‌های مربوطه، چگونه این موقعیت را توضیح می‌دهند؟

گردید که توصیف‌کننده تجارب دانشجویان پرستاری می‌باشند. در این مطالعه به منظور بررسی اعتمادپذیری و دقت مطالعه، موارد زیر رعایت گردید:

خلاصه نتایج پژوهش در اختیار چندین تن از شرکت‌کنندگان قرار داده شد و از آنان خواسته شد معنی‌داری و صحت یافته‌ها را مورد بررسی قرار داده و توافقی یا عدم توافقی خود را با داده‌ها اعلام نمایند و در صورت وجود اطلاعات اضافی آنها را مکتوب نموده و در اختیار پژوهشگر بگذارند. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان موجب هدایت جمع‌آوری و تحلیل بیشتر داده‌ها و واضح‌سازی طبقات گردید. تماس طولانی مدت پژوهشگر با محیط آموزش بالینی و فرهنگ موجود راه دیگری برای بالا بردن مقبولیت مطالعه فراهم نمود. پژوهشگر سال‌ها به‌عنوان مربی در کارآموزی بالینی با دانشجویان پرستاری بوده است و همین مسئله موجب تسهیل ارتباط اعتمادآمیزی بین پژوهشگر و دانشجویان گردید. از سوی دیگر کدها و طبقات به‌دست آمده در اختیار سه تن از صاحب‌نظران قرار گرفت تا از صحت کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها اطمینان حاصل شود و سپس اصلاحات لازم به‌عمل آید.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به تولید چهار درون‌مایه اصلی گردید که شامل اضطراب، رضایت از روبه‌رویی با مهارت جدید، ارتباطات بین‌فردی و صلاحیت بالینی مربیان بود. به عقیده مشارکت‌کنندگان، آنها در طول دوران دانشجویی دائماً احساس اضطراب و ترس را به‌گونه‌ای تجربه نموده‌اند که موجب کاهش اعتماد به نفس آنها در محیط بالین شده است. دانشجویان شرکت‌کننده تنش خود را بیشتر ناشی از کند انجام دادن کار و متفاوت بودن رویه انجام کار (procedure) در محیط بالینی و آموزش، ترس از احتمال صدمه رساندن به نوزاد به‌دلیل نداشتن علم و مهارت کافی جهت کار با نوزاد و دستگاه‌های مختلف موجود در بخش و ناآشنا بودن محیط می‌دانستند. یکی از دانشجویان در این ارتباط در ژورنال خود چنین نوشت: «امروز مریض من یه نوزاد نارس خیلی کوچیک بود. من وحشت داشتم که به اون دست بزنم چه برسه به اینکه بخوام اون رو بغل کنم و بهش با شیشه شیر بدم. فکر می‌کردم اگه بهش دست بزنم ممکنه استخوانش در بره. همینطور حاج و واج وایساده بودم و بهش نگا می‌کردم، انگار همه چی یادم رفته بود و نمیدونستم اول باید چیکار کنم. دستام می‌لرزید تا اینکه مربی اومد و به من کمک کرد که نوزاد رو تو پتو بیچم و به من

ژورنال‌نویسی به دانشجوی کمک می‌نماید تا بر روی تجارب خودش تفکر مجدد نماید و به مربیان، چگونگی تسهیل یادگیری در دانشجویان را ارائه می‌دهد. ژورنال‌نویسی شبیه یادداشت کار (Log) یا خاطرات (Diary) روزانه است با این تفاوت که همه چیز را مفصلاً توضیح می‌دهد. از سوی دیگر ژورنال‌نویسی، موجب ارتقاء ارتباط دانشجو-مربی گردیده و ابزاری سودمند برای ارزیابی یادگیری دانشجو فراهم می‌کند. در ژورنال‌نویسی، دانشجو نه تنها حوادث یادگیری و عکس‌العمل‌هایش را ثبت می‌نماید، بلکه تأثیرات آن را بر چگونگی رفتار یادگیری خودش در آینده بیان می‌نماید. ژورنال‌نویسی فواید زیادی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره نمود: ثبت تجارب، تسهیل یادگیری از طریق تجارب، درک عمیق‌تر از تجربه، تکامل تفکر انتقادی، دخالت بیشتر فرد در یادگیری، افزایش توانایی بازاندیشی و تفکر، افزایش مهارت حل مسئله، افزایش خلاقیت، بهبود نگارش، بهبود ارتباط در گروه، منظم نمودن افکار، تکامل مهارت‌های تحلیلی و نشان دادن درک از وقایع [۳]. پژوهشگر به جهت جلب اعتماد شرکت‌کنندگان و حفظ امانت‌داری داده‌ها، شخصاً جهت جمع‌آوری ژورنال‌ها اقدام می‌نمود. شرکت‌کننده‌ها در انتهای هر هفته کارورزی در طی یک ژورنال، وقایع مهم آموخته‌ها، نگرش‌ها، احساسات و نظرات شخصی خودشان را بر اساس راهنمای موجود، نوشته و به‌صورت بی‌نام و با ذکر یک کد که توسط پژوهشگر تعیین شده بود، در اختیار پژوهشگر قرار می‌دادند. این اقدام به جهت جلب اطمینان بیشتر دانشجویان به حفظ امانت‌داری داده‌ها صورت گرفت. علاوه بر این به دانشجویان اطمینان داده شد که متن نوشته شده در اختیار هیچ فرد دیگری به جز پژوهشگر قرار نخواهد گرفت و هیچ تأثیری بر نمره کارورزی آنها نیز ندارد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از روش تحلیل داده‌های کیفی استفاده گردید [۱۱]. بدین صورت که به‌دنبال دریافت هر ژورنال، متن نوشته شده ابتدا خوانده شده و شروع به کدگذاری باز می‌شد و سپس با داده‌های حاصل از ژورنال‌های قبلی مقایسه می‌شد و درون طبقات قبلی جای گرفته و یا در صورتی که در هیچ طبقه‌ای قرار نمی‌گرفت، طبقه جدیدی تولید می‌شد. روند مقایسه مداوم داده‌ها تا انتهای تحلیل ادامه یافت. در انتها کدهایی تولید

نشون داد که چطور باید بغلش کنم. به نظرم اگه مربی خودش این کار رو جلوم انجام نمی‌داد من هیچ وقت جرات نمی‌کردم انجام بدم». یکی دیگر از درون‌مایه‌های به‌دست آمده، رضایت دانشجویان از روبه‌روی و یادگیری مهارت‌های جدید بود. مشارکت‌کنندگان بیان نمودند که یکی از ویژگی‌های مشخص بخش نوزادان، متفاوت بودن رویه‌های انجام کار نسبت به سایر بخش‌ها بوده است. آشنایی با دستگاه‌های مختلف و کار با آنها تجربه رضایت‌بخشی برای دانشجویان به همراه داشته است. یکی از دانشجویان می‌نویسد: «من بعد از فارغ‌التحصیلی می‌خوام تو این بخش طرحم رو بگذرونم و به همین خاطر با مسئول بخش صحبت کردم. به نظرم وقتی پرستار تو این بخش کار می‌کنه مثل یه متخصص حرفه‌ای با دستگاه‌ها کار می‌کنه و هر کسی نمیتونه از عهده این کار بر بیاد. آدم اعتماد به نفسش بالا میره. من امروز از اینکه یاد گرفتم از پاشنه پا خون بگیرم خیلی احساس رضایت می‌کنم».

دانشجویان مشارکت‌کننده، آموزش کار با دستگاه تهویه مکانیکی (respirator) را در دوره دانشجویی ناکافی می‌دانستند و اعتقاد داشتند که کار با دستگاه تهویه مکانیکی نوزادان نیاز به یک دوره آموزشی جداگانه دارد.

ارتباطات بین‌فردی درون‌مایه بعدی به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها می‌باشد. نگارش و نقد ارتباطات بین‌فردی بین دانشجویان، پرستاران، مربیان، پزشکان و والدین تعداد زیادی از کدهای استخراج‌شده از تحلیل داده‌ها را تشکیل می‌داد. به زعم دانشجویان نحوه برقراری ارتباط با دانشجویان از عوامل مهم در یادگیری آنها در محیط آموزش بالینی است.

روابط بین دانشجویان و پرستاران تأثیر زیادی بر جو آموزش بالینی دارد. دانشجویان طیف وسیعی از برخورد پرستاران را ذکر کرده‌اند. به عقیده آنان بعضی از پرستاران با ارتباط مناسب خود، تسهیل‌کننده و بعضی دیگر با ارتباط نامناسب با دانشجو مانع یادگیری بالینی هستند. «خانم ... پرستار تخت ۶ بود. اون خیلی خانم خوب و آرومی بود. وقتی دید که من بلد نیستم چه‌جوری با سرنگ پمپ مریض کار کنم وایساد و کامل برام توضیح داد. مثل پرستارای دیگه نبود که بخواد منو بخاطر بلد نبودنم تحقیر کنه».

بعضی پرستاران به دانشجویان اعتماد نداشته و آنها را در پیش آمدن وقایع مختلف در بخش مقصر می‌دانند. مشارکت‌کنندگان ارتباط بین پزشکان و دانشجویان پرستاری را نیز در یادگیری بالینی خود مؤثر می‌دانستند، دانشجویان نگرش تحقیرآمیز و منفی بعضی از پزشکان را در نوشته‌های خود توصیف نمودند.

دانشجویان ارتباط با هم‌کلاسی را در محیط آموزشی مثبت و آرامش‌بخش توصیف می‌نمودند. آنها اظهار داشتند که در زمان حضور هم‌کلاسی احساس استرس کمتری دارند زیرا تبادل اطلاعات در آنها موجب سهولت ارائه مراقبت می‌شود: «من و دوستم همیشه تو کارآموزی‌ها با هم هستیم و سوال‌هامون رو از هم می‌پرسیم و این خیلی خوبه».

ولی ارتباط مؤثر مربی و دانشجو از اهمیت خاصی برخوردار است و بیشترین تأثیر را بر یادگیری دانشجویان دارد. یکی از دانشجویان چنین نوشته بود: «قبل از شروع کارآموزی خیلی می‌ترسیدم ولی وقتی برخورد آروم و خوب خانم ... رو دیدم خیلی آروم‌تر شدم. ایشان وقتی اشتباهی از ما می‌دیدن اصلاً برخورد بدی نداشتن و خیلی آروم آدم رو کنار می‌کشیدن و خطا رو می‌گفتن و همین باعث یادگیری می‌شد. کاش تو همه بخش‌ها اینطوری بود».

یکی دیگر از دانشجویان در این ارتباط می‌نویسد: «خانم ... با محبت و دلسوزانه مزایای شیر مادر را برای مادر نوزاد توضیح داد و او هم همه سوال‌هاش رو از خانم پرسید. علاوه بر این خانم همیشه کارهای مریض رو با علاقه و محبت انجام میده، انگار داره برای بچه خودش انجام میده. من هم دوست دارم همینطوری باشم».

در این مثال مربی در نقش الگویی، خود نحوه برقراری ارتباط با مادر بیمار را به دانشجو آموخته است و لازمه این کار توانایی مربی در برقراری ارتباط مؤثر با دیگران بوده است.

صلاحیت بالینی مربی آخرین درون‌مایه به‌دست آمده در این پژوهش بود. تحلیل داده‌ها نشان داد که کارآمدی مربی بالینی به‌عنوان اولین الگوی نقش رسمی از مهمترین عوامل مؤثر در یادگیری بالینی دانشجویان در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان می‌باشد. اهمیت دارا بودن یک سری خصوصیات فردی و ویژگی‌های شغلی مانند تجربه و مهارت بالینی، تحصیلات تخصصی، علم و دانش از ویژگی‌های اصلی مربی با صلاحیت در نقش الگویی مدنظر می‌باشد.

اکثریت شرکت‌کننده‌ها اعتقاد داشتند که اعتماد به نفس مربی در نحوه عملکرد آنها در بخش تأثیرگذار است. «بعضی از اساتید که دانش کافی و مهارت دارند، اعتماد به نفس بالایی دارن و به ما می‌گن کار رو اینجوری انجام بدید و بعضی از مربیان می‌گن هرجوری که پرستار، انجام دادن شما هم انجام بدید. تو این بخش، پرسنل خیلی به مربی احترام می‌گذارن و همین باعث می‌شه که برخوردشون با ما هم خوب باشه». دارا بودن علم، تجربه و اعتماد به نفس مربی موجب رضایت دانشجو از کارآموزی و تسهیل یادگیری در وی می‌شود. بنا به اعتقاد مشارکت‌کنندگان، مربیانی که دارای تجربه بالینی و

تحصیلات تخصصی در بخش مربوطه، مهارت در انجام مراقبت‌های پرستاری و دانش کاربردی باشند، در این صورت کفایت و صلاحیت کافی را جهت الگوی نقش بودن دارند.

داشتن علم و دانش کافی و عمیق و توانایی کاربرد آن در بالین نه تنها می‌تواند بر یادگیری دانشجویان و نحوه مراقبت از بیمار مؤثر باشد بلکه می‌تواند موجب افزایش اعتبار مربی در نزد همه، حتی پزشکان گردد و اعتماد به نفس دانشجویان را ارتقاء بخشد.

بحث و نتیجه‌گیری

اگر چه این مطالعه محدود به یکی از دانشکده‌های پرستاری و مامایی در کشور ایران است اما بعضی یافته‌های این پژوهش مشابه یافته‌های مطالعات انجام شده در دیگر کشورها است. در این مقاله با قرار دادن یافته‌های مطالعه حاضر در کنار یافته‌های مشابه دیگر در این زمینه، امکان یک جمع‌بندی کلی فراهم شده است.

نتایج پژوهش نشان داد که احساس تنش، یکی از موانع مؤثر بر یادگیری دانشجویان در محیط بالین است. نتایج مشابه در مطالعه شریف و معصومی، که در آن وجود استرس در دانشجویان ناشی از محیط ناآشنا و نداشتن دانش و مهارت کافی بود، تأییدکننده می‌باشد [۱۲]. همچنین یکی از راه‌کارهای پیشنهادی دانشجویان مشارکت‌کننده جهت کاهش استرس در محیط بالینی، انجام عملی رویه‌های انجام کار توسط مربیان در شروع کارآموزی بود. این یافته با نتایج پژوهش جهان‌پور نیز هم‌خوانی دارد. این راه‌کار در صورتی عملی خواهد بود که مربیان از دانش، مهارت و تجربه بالینی کافی در بخش برخوردار باشند تا بتوانند با اعتماد به نفس پروسیجرها را به‌صورت صحیح به دانشجویان یاد دهند. چراغی، در مطالعه کیفی خود اذعان نمود که یکی از مشکلات موجود در آموزش پرستاری، دور بودن مربیان از محیط واقعی مراقبت بالینی است که بالطبع موجب کاهش مهارت مربیان گشته و به همین دلیل بعضی از مربیان بیشتر به آموزش‌های نظری در محیط بالین بسنده می‌نمایند [۱۳].

علاوه بر این دانشجویان شرکت‌کننده روبه‌رویی با مهارت‌های جدید در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان را از عوامل مؤثر بر افزایش انگیزش یادگیری خود می‌دانستند. پیروی، در پایان‌نامه دوره دکتری خود این یافته را مورد تأیید قرار داده است.

وی مضمون «جنبه‌های جذاب تجربه بالینی» را به‌دست آورد و آن را تجربه دیدن بعضی چیزها برای اولین بار و درک تجربه بالینی به‌عنوان پدیده‌ای که شامل جستجو و سفر به ناشناخته‌ها بود، تفسیر نمود. Orb و Chapman نیز یافته‌ای تقریباً مشابه در مورد

تجربه بالینی دانشجویان پرستاری در محیط بالینی به‌دست آوردند. آنان دریافتند که کار کردن در محیط بالینی در بعضی موقعیت‌ها موجب بروز استرس و در بعضی مواقع جالب و لذت‌بخش بوده است. صلاحیت بالینی مربی بالینی یکی از مهمترین مفاهیم به‌دست آمده در این پژوهش بود که به زعم دانشجویان، هم بر روی کاهش استرس دانشجویان و هم بر روی افزایش اعتماد به نفس آنها مؤثر بوده است. مرور متون به‌عمل آمده در این ارتباط نشان داد که در اکثر مطالعات صورت‌گرفته بر تجارب بالینی دانشجویان پرستاری صلاحیت و کفایت علمی و عملی مربیان یکی از مهمترین ارکان آموزش پرستاری را تشکیل می‌دهد [۱۴، ۱۵].

مربی بالینی به‌عنوان اولین الگوی نقش رسمی یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر یادگیری‌های بالینی دانشجویان توصیف گردید. اکثریت مشارکت‌کنندگان در این مطالعه ابراز نمودند که مربیان با صلاحیتی که از دانش و مهارت بالینی کافی برخوردارند، دارای اعتماد به نفس بوده و این مسئله موجب ارتقاء خودباوری آنها در بالین می‌گردد. تمام دانشجویان شرکت‌کننده در این مطالعه با ذکر مثال‌هایی از تجارب خود به اهمیت داشتن دانش توسط مربیان اشاره نموده‌اند. این یافته در پژوهش‌های دیگری که در این زمینه صورت گرفته نیز مشاهده شده است. پیروی در پایان‌نامه دوره دکتری خود تحت عنوان تجربه بالینی دانشجویان تأکید نمود که دانش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی مربی در ایفای نقش الگویی او محسوب می‌شود. اهمیت دارا بودن دانش، مهارت و اعتماد به‌نفس مربی به‌عنوان الگوی نقش در مطالعاتی که بر روی یادگیری دانشجویان پرستاری در محیط بالین صورت گرفته است نیز مورد تأیید قرار گرفته است. مربی پرستاری که کمبود خودباوری داشته باشد توانایی اداره کلاس و آموزش دادن را ندارد. توانایی آموزش دانشجویان محور نیاز به خودباوری و مهارت‌های آموزش دارد [۱۶].

نقاط قوت و محدودیت مطالعه

این مطالعه با استفاده از طرح پژوهش کیفی برگرفته از اطلاعات عمیق و تجارب واقعی دانشجویان می‌باشد و این از نقاط قوت این طرح محسوب می‌گردد. با توجه به اینکه این مطالعه تنها در بیمارستان‌ها و دانشکده پرستاری وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بوشهر و در دانشجویان سال آخر پرستاری صورت گرفته است، این مسئله محدودیت مطالعه محسوب می‌گردد. لذا انجام پژوهش در دانشگاه‌های دیگر و در سال‌های تحصیلی متفاوت می‌تواند دامنه به‌کارگیری نتایج را افزایش دهد. با توجه به نتایج این پژوهش، مسئولین و مربیان آموزش پرستاری

تشکر و قدردانی

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از زحمات معاونت محترم پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر که با تأمین امکانات لازم، زمینه انجام این پژوهش را فراهم نمودند، قدردانی نموده و از کلیه دانشجویان پرستاری شرکت‌کننده در این پژوهش کمال تشکر را نمایند.

مسئولیت دارند تا با شناخت و رفع موانع موجود، یادگیری‌های بالینی دانشجویان پرستاری را تسهیل نمایند. از دیدگاه دانشجویان شرکت‌کننده، تنش ناشی از کمبود مهارت بالینی مانع یادگیری در آنهاست. لذا صلاحیت بالینی مربیان و برنامه‌ریزی مناسب جهت بهبود مهارت دانشجویان از ضروریات می‌باشد. وجود ارتباطات بین‌فردی مثبت بین دانشجویان، مربیان و پرستاران موجب کاهش تنش دانشجویان خواهد شد. پیشنهاد می‌گردد که دست‌اندرکاران آموزش پرستاری با برنامه‌ریزی در جهت ارتقاء صلاحیت بالینی مربیان و بهبود ارتباطات بین‌فردی کوشا باشند.

References:

1. Clare J, White J, Beown D. Learning outcomes and curriculum development in mager discipline, Final report ed [Dissertation report]. [Adelaide]: School of Nursing and Midwifery, Flinder University; 2002.
2. Chan D. Validation of the clinical learning inventory. West J Nurs Res. 2003;25(5):519-32.
3. Jahanpour F, Sharif F, Salsali M, Kaveh MH. Clinical Decision Making process In nursing students [Doctoral Dissertation]. [Shiraz]: Shiraz University of Medical Sciences; 2010. [In Persian]
4. Dunn S, Ehrich L, Mylonas A. Students' perceptions of field experience in professional development: a comparative study. J Nurs Educ. 2000;3(99):393-400.
5. Papp I, Markkanen M, Von BM. Clinical environment as a learning environment: student nurses' perceptions concerning clinical learning experiences. Nurse Educ Today. 2003 May;23(4):262-8.
6. Ferguson LM. A grounded theory study of the new nurses journey toward competence in clinical judgement [Doctoral Dissertation]. Alberta University; 2006.
7. Chapman R, Orb A. The nursing students' live experience of clinical practice. The Australian electronic journal of nursing education. 2000;5(2): no paging.
8. Peiravi H, Nikravesh M, Haghdoost F. Clinical experience in nursing students [Doctoral dissertation]. [Tehran]: Iran University of Medical Sciences; 2005. [In Persian]
9. White AH. Clinical decision making among fourth-year nursing students: an interpretive study. J Nurs Educ. 2003 March;42(3):113-20.
10. Streubert HJ, Carpenter DR. Qualitative research in nursing. 4th ed. Philadelphia: lippincott Williams and walks; 2007. p. 127.
11. Corbin J, Strauss A. Basics of Qualitative Research. 3rd ed. New York: Sage; 2008. p. 95.
12. Sharif F, Masoumi S. A qualitative study of nursing student experiences of clinical practice. BMC Nurs. 2005 Nov 9;4:6.
13. Cheraghi MA, Salasli M, Ahmadi F. Factors influencing the clinical preparation of BS nursing student interns in Iran. International Journal of Nursing Practice. 2008 Feb;14(1):26-33.
14. Jahanpour F, Sharif F, Salsali M, Kaveh MH, Williams L. Clinical decision making in senior nursing students in Iran. International Journal of Nursing Practice. 2010;16:595-602.
15. Sharif F, Jahanpour F, Salsali M, Kaveh MH. Clinical Decision Making process In nursing students, a qualitative research. Iranian nursing research journal. 2011;5(16): 21-29. [In Persian]
16. Smith TW, Strahan D. Toward a prototype of expertise in teaching. Journal of teacher education. 2004;55(4):357-71.